



ده دلیل شکست ایده‌های خوب در عمل

۱- شیفستگی نسبت به ایده‌ها: بسیاری از صاحبان ایده، در حقیقت خود قاتل ایده‌هایشان هستند. شیفستگی بیش از حد نسبت به یک ایده باعث می‌شود افراد، نقاط ضعف ایده‌هایشان را نبینند و یا چشم خود را بر آن ببندند. همچنین این شیفستگی باعث توجه نکردن به گزینه‌های بدیل و حتی بهتر می‌شود. شیفستگی نسبت به ایده‌ها، در میان مدیران خطرناک‌تر است چرا که برخلاف سطح کارشناسی، مدیران خود را بی‌نیاز از قانع کردن دیگران می‌دانند و چون منابع سازمان را در اختیار دارند سریعاً نسبت به پیاده‌سازی ایده‌های خود اقدام می‌کنند. یک نشانه این مدیران آن است که شنونده‌های خوبی برای نظرات دیگران نیستند.

۲- پیاده‌سازی ایده‌ها قبل از پخته‌شدن: به تجربه به این باور رسیده‌ام که اولین راه‌حلی که برای یک مسئله به ذهن انسان می‌رسد، بدترین راه‌حل است. برای رسیدن به یک ایده خوب و راه‌حل پخته، حداقل باید ۵ بار به خودمان چرا بگوییم و به آن پاسخ دهیم تا مطمئن شویم به جوانب مختلف کار فکر کرده‌ایم و همچنین باید خودمان را جای تک‌ذی‌نفعان گذاشته و از منظر آنها به مسئله نگاه کنیم تا راه‌حل ما در مرحله عمل با کمترین چالش روبرو شود. بسیاری از ایده‌های خوب به دلیل عجله در پیاده‌سازی به نتیجه مطلوب نمی‌رسند. البته در سوی دیگر، به هیچ وجه نباید گرفتار تعلل و بی‌عملی شویم.

۳- برای هر برنامه جدید یک فاز آزمایشی (پایلوت) تعریف کنید: یکی از دلایل شکست ایده‌های خوب

در مرحله عمل، تعریف نشدن یک فاز آزمایشی با پایلوت است. هر برنامه‌ای که چشم‌انداز بزرگی دارد ابتدا باید برای تعدادی محدودی از مخاطبان و مشتریان اجرا شود تا نواقص کار مشخص و رفع شود. اگر از همان ابتدا کار در مقیاس بزرگ شروع شود ممکن است آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دنبال داشته باشد به طوری که اعتبار برنامه و مجریان آن به کلی از بین برود. اما شروع کار در مقیاس کوچک به مجریان اجازه می‌دهد که ایرادات آن را شناسایی و با گرفتن بازخورد از ذی‌نفعان، با هزینه‌ای معقول برنامه را اصلاح کرده و برای نیازهای جامعه‌ی مخاطب متناسب‌سازی کنند.

۴- بی‌تفاوت گذشتن از کنار شکست‌ها: افراد معمولاً دوست ندارند در مورد شکست‌هایشان حرف بزنند به ویژه اگر از مدیران سطح بالای سازمان باشند و نیازی به پاسخگویی به دیگران احساس نکنند. خطرناک‌تر از خود شکست، درس نگرفتن از آن است. اگر دلایل عدم موفقیت‌ها مورد بررسی دقیق قرار نگیرد مشخص نمی‌شود که مشکل از اصل ایده و یا ناشی از پیاده‌سازی نادرست آن بوده است.

۵- هیچ کار خوب زودبازدهی وجود ندارد! بله، تعجب نکنید، کارهای خوب و اثرگذار مثل درخت گردو هستند که باید چند نسل پای آن زحمت بکشند تا به ثمر برسند و نسل‌های متمادی از بهره‌برندگان و به اصطلاح زودبازده مثل خارش پشت دست هستند که در لحظه، حال انسان را خوب می‌کنند ولی چند دقیقه بعد اثری از آنها باقی نمی‌ماند. هیچ محصول خوب، شرکت بزرگ، برند نامور و اقتصاد قوی‌ای حاصل کارهای زودبازده نبوده است لذا فریب ایده‌های زودبازده را نخورید.

۶- از افراد باتجربه ولی نامید مشورت نگیرید. برخی مدیران آلپوم قطوری از سمت‌ها و مدیریت‌ها در سازمان‌های مختلف دارند ولی

هیچ کار خوب زودبازدهی وجود ندارد! بله، تعجب نکنید، کارهای خوب و اثرگذار مثل درخت گردو هستند که باید چند نسل پای آن زحمت بکشند تا به ثمر برسند و نسل‌های متمادی از بهره‌برندگان و به اصطلاح زودبازده مثل خارش پشت دست هستند که در لحظه، حال انسان را خوب می‌کنند